

ایرنا **۵**



«گروه گزارش» رئیس سازمان بهزیستی کشور در یک نشست خبری درباره کودکان کار گفته است خیلی‌ها می‌خواهند بگویند این کودکان ایرانی‌اند تا بگویند این نشان‌دهنده فقر است در حالی که ۸۰درصد این کودکان اتباع هستند. این گفت‌وگو در صداوسیما بیست‌وهفتم تیرماه انجام شده و نوید طرح تازه‌ای از سوی بهزیستی برای کودکان دارد. حبیب‌اله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، هم به‌تازگی از بازنگری آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار خبر داده و گفته است: «مشکل قبلی ما این بود که توانمندسازی به طور کامل انجام نمی‌شد که عمدتاً به دلیل کمبود منابع مالی بود. با رایزنی انجام‌شده با سازمان برنامه و بودجه و وزارت کشور توانستیم بودجه‌ای را در این خصوص دریافت کنیم.» از مهم‌ترین نکاتی که فرید بر آن تأکید کرده، سرنوشت کودکان اتباع است، او گفته است تاکنون از سوی اداره اتباع اقدام موثری ندیدیم اما امسال قول دادند کاری که باید را انجام دهند. او همچنین تأکید کرده که شناسایی و جذب کودکان با همکاری سمن‌ها انجام می‌شود.
طرحی که قبادی دانا به آن اشاره کرده، به صورت عمومی منتشر نشده اما برخی از سازمان‌های درگیر و مردم‌نهاد به آن دسترسی داشته و آن را خوانده‌اند. روزنامه شهروند در این پرونده طرح جدید بهزیستی را که با عنوان «طرح حمایت‌های اجتماعی از کودکان کار و خیابان، برنامه اقدام و عمل (رویکرد خانواده‌محور)» تدوین شده در اختیار کارشناسان، فعالان مدنی و جامعه‌شناسان حوزه کودکان کار قرار داده و چند پرسش را مطرح کرده است.
۱. آیا لزوم تدوین طرح جدید برای مسأله کودکان کار وجود دارد؟
۲. آیا متن جدید طرح حمایت‌های اجتماعی بهزیستی تفاوت معناداری با طرح‌های پیشین دارد؟
۳. نقاط مثبت و منفی این طرح و طرح‌های اینچینی چیست؟
۴. از نظر شما سیاست واقع‌بینانه برای مقابله با کار کودکان که بلندمدت و اثربخش باشد باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

نظرخواهی «شهروند»از کارشناسان درباره طرح جدید بهزیستی برای کودکان کار و خیابان

تکرار یک شکست

👉 جامعه‌شناسان و فعالان سازمان‌های مردم‌نهاد بر لزوم توجه ساختاری به مسأله کار کودکان تأکید کردند

طرح مصداق بارز جرم‌انگاری فقر است

آرش نصر اصفهانی



۱●●● در صورت تدوین یک طرح جامع برای کاهش کار

کودک در ایران با زامن‌بندی مشخص تردیدی نیست. مسأله اصلی منطق این برنامه است؛ اگر طرحی با توجه به‌همه‌اشکال کار کودک در ایران نوشته شود، دستگیری کودک به هر نام (جذب، شناسایی و…) در آن نباشد و با افزایش کیفیت زندگی کودک و خانواده‌اش به‌ویژه برای مهاجران کاهش کار کودک را

دنبال کند می‌توانیم به موفقیت آن امیدوار باشیم.
۲●●● مهم‌ترین تفاوت این طرح تصریح آن به ارایه‌نکردن خدمات به کودکان مهاجر غیرمتعارف (کودکان فاقد کارت آمایش یا پاسپورت) و تحویل آنها به اداره اتباع است. با توجه به اینکه این کودکان سهم بسیاری در کار خیابانی در سطح تهران دارند(در مقدمه طرح به همین موضوع اشاره شده) مهم‌ترین گروه دستگیرشده در اجرای این برنامه خواهند بود و عملاً هیچ‌یک از اقدامات حمایتی تعریف‌شده در این طرح مشمول آنها نخواهد شد.

۳●●● نقطه مثبت این طرح بیان جزئیات فرآیند پس از دستگیری است. نقطه تاریک این طرح این است که دستگیری و اخراج کودکان مهاجر غیرمتعارف را با عنوان حمایت اجتماعی معرفی می‌کند. این طرح مصداق بارز جرم‌انگاری فقر است.

۴●●● تجربیات موفق نشان می‌دهد کاهش کار کودک از مسیر اقداماتی چون آموزش ارزاقیمت، ایجاد فرصت شغلی برای بزرگسالان خانواده، کمک‌هزینه جبرانی و یارانه مشروط به خانواده و مجازات سوءاستفاده‌کنندگان از کودکان میسر است. در یک طرح بلندمدت، منع کار کودک را باید از مشاغل سخت آغاز کرد و در مراحل ابتدایی در مورد مشاغل ساده‌تر از برنامه‌های کاهش آسیب بهره برد. هر گونه مجازات باید برای قاچاقچیان انسان و به‌کارگیرندگان کودک تعریف شود و با بهبود شرایط زندگی خانوار فارغ‌از وضعیت اقامت‌از کار کودک کاسته شود.

مصالح‌عالیه کودکان فراموش نشود

شری نجفی



۱●●● بله، ولی در مجلس و دولت با نماندگی سازمان‌های مردم‌نهاد با در نظر گرفتن مصالح عالیه کودک براساس مفاد کنوانسیون حقوق کودکان نه طرح‌های سازمان‌هایی همچون بهزیستی که از برنامه‌های زیرساختی عاجز هستند.

۲●●● این طرح این‌بار فقط ادبیاتش تا حدودی عوض شده اما مسأله را زیرساختی نمی‌بیند. باید نهاد کودک و خانواده در مجلس وجود داشته باشد که متشکل از چند نماینده واقعی از کودکان و خانواده‌ها، پژوهش‌مجلس، آموزش‌وپرورش، بهداشت و درمان، نماینده «ان‌جی‌او»های فعال حقوق کودکان، سازمان رفاه و تأمین اجتماعی، پلیس و قاضی و همه اینها اشراف به مسائل کودکان داشته باشند تا برای کودکان برنامه‌ریزی و از آنها حمایت کنند و با رویکرد حقوق کودکی و شامل حق بقاء، رشد، حمایت و مشارکت با

پرونده

www.shahrivanddaily.ir

ایرنا **۵**

همچنان همان رویکرد امنیتی-انتظامی بر آن حاکم است؛ مثلاً اگر هدف طرح طبق عنوانش حمایت اجتماعی است، ورود اداره اتباع بیگانه وزارت کشور به طرح نباید موضوعیت داشته باشد؛ زیرا این نهاد ماهیت تأمین‌ی و امنیتی دارد و کار ویژه‌ای برای حمایت در آن تعریف نشده، بلکه کارکرد آن مسائل مربوط به اقامت و رد مرز است. ضمن آنکه طبق ماده ۲ پیمان‌نامه حقوق کودک (که ایران به آن پیوسته و در حکم قوانین داخلی است) تبعیض علیه کودکان پذیرفته نیست و همه کودکان فارغ از ملیت اگر در محدوده قضائی کشوری ساکن باشند، دولت موظف به احترام به حقوق کودکان مهاجر و پناهجو و پناهنده و تحقق حقوق آنهاست.

یا در موضوعی دیگر که مربوط به آموزش نیروهای دخیل در طرح است، محتوای این آموزش‌ها اهمیت دارد. اگر آموزش مبتنی بر نگاه ریشه‌ای و ساختاری به‌کار کودک نباشد، بود و نبودش فرق ندارد. مثلاً وقتی در طرح اشاره شده که اسباب‌بازی برای جذب کودکان تهیه می‌شود، یعنی بهزیستی رسماً برای بازداشت و سوارکردن کودکان به ماشین‌ها و انتقال به مراکز خود از حربه‌ای کلاهدرارانه استفاده می‌کند. این کار با اخلاقی حرفه‌ای مددکاری در تعارض است.

۳●●● نقطه مثبت ندارد. چیزهای به‌ظاهر مثبتی هم که نوشته شده گاهی با بخش‌هایی تعارض دارد و البته معلوم است که این تعارض‌ها به نفع کدام رویکرد حل می‌شود. مثلاً اینکه مراکز نگهداری باید دوستاندار کودک باشند، اما اصلاً مرکز دوستاندار کودکی که قرار است از طریق آن کودکانی رد مرز شوند دوستاندار کودک نیست، بلکه در بهترین حالت زندانی با‌صورتک انسانی است.

نقاط منفی:

الف. در بخشی از طرح که قوانین و مقررات فعلی برشمرده شده‌اند، اشاره‌ای به پیمان‌نامه حقوق کودک و کنوانسیون ژنو نشده است. ایران به هردو سند پیوسته است و در قیال اجرای آن متعهد است. اشاره نکردن به مقررات این دو کنوانسیون در این طرح که در این سطح نگاشته شده و کودکان و پناهندگان و پناهجویان را متأثر می‌کند، سهوی نیست، بلکه گریز از رعایت اصول و مقرراتی است که برای تضمین حقوق کودکان و پناهندگان و پناهجویان وضع شده. اگر هم سهوی باشد نشان از این است که بهزیستی نگارش طرح را به افرادی سپرده که اساساً اعتقادی به پیمان‌نامه حقوق کودک ندارند.

ب. جداکردن کودک از خانواده بدون رویه قضائی نامعتبر و ناعادلانه از نظر قانون (مسأله صدور احکام فوری توسط قاضی بدون حضور همه طرفین که موضوع پاراگراف ۱ و ۲ پیمان‌نامه حقوق کودک است).

پ. تعریف نقش سازمان‌های غیردولتی در مقام جاسوس اطلاعات کودکان و نادیده‌گرفتن اصل حرفه‌ای-اخلاقی محرمانگی در مددکاری.

ت. رویکرد کلی طرح درباره مسأله سرپرستی، اقامت و هویت و کار کودک قضائی است. اگر جمهوری اسلامی به قضائی کردن امور علاقه دارد، در قیال عاملان فقر و فلاکت رویه قضائی اتخاذکننده درباره کودکان کار. با اخذ تعهد از والدین برای کار نکردن کودک چیزی حل نمی‌شود. گرسنگی، نداشتن کرایه خانه، مشکل معیشتی حاد، بیکاری، نبود چتر موثر حمایتی تأمین اجتماعی باعث می‌شود که خانواده‌ها به‌عنوان آخرین راه‌حل کودک خود را به خیابان برای کار بفرستند. بنابراین با تعهد و سلب ولایت از والدین چیزی حل نمی‌شود.

ث. توجه به کودکان کار در خیابان ونه همه کودکان کار که نشان می‌دهد کودکان کار در خیابان رازشت‌کننده میلمان شهری می‌دانند.

ج. ارجاع به بخش‌نامه ۴۷۰۵۹ وزارت کشور با موضوع «صورجلسه کنترل تکدی‌گری کودکان خیابانی اتباع بیگانه» یکی دیگر از نقاط کودک‌ستیز این طرح است. در این صورجلسه آمده است که اگر قانونی بودن اقامت کودک اثبات نشود و والدین کودک رد بدو پذیرش شناسایی نشوند، کودک رد مرز می‌شود. اولاً این روند از این جهت که ممکن است کودک از ترس حرف‌زند تخصصی نیست. ثانیاً در مورد کودکان پناهجو و مهاجر جدا شده از خانواده استانداردهای مقبول و رایج بین‌المللی وجود دارد. مثلاً کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل براساس پیمان‌نامه حقوق کودک، کنوانسیون ژنو و سایر اسناد بین‌المللی راهنمای عملی را طراحی و منتشر کرده است که در آن رد مرز اکیداً منع شده است. در چنین استناداردی تأکید می‌شود هر راه‌حل بادوامی (اصطلاحی حقوقی که اشاره به راه‌حلی دارد که موجب شود فرد در نقطه‌ای از زندگی درنهایت از موقعیت متزلزل بدون حقوق شهروندی رها شود یا راهکاری پایدار برای وضع او پیدا شود) مستلزم رویه‌های حقوقی، قضائی و اجتماعی است که مبتنی بر بررسی موردبه‌مورد باشد نه بررسی‌های فله‌ای و عمومی.

چ. راهکارهایی مثل حرفه‌آموزی و خوداشتغالی واقعی نیست. وقتی کار نیست، درآمدکارهای موجود پایین است، حمایت‌های تأمین اجتماعی اندک است، کارفرمایان قراردادی با کارگر نمی‌بندند، حداقل حقوق با تورم و خط فقر متناسب نیست، اجاره بهای مسکن بالاست و… خوداشتغالی و حرفه‌آموزی نتیجه ندارد. بسیاری از والدین کودکان کار هم آدم‌هایی بدون مهارت نیستند و مشکل‌شان این است که درآمد کافی ندارند. ضمن اینکه خوداشتغالی در کارهای مختلف مثل صنایع دستی و نظایر آن بازاری دارد و این بازار اگر اشباع نباشد با ورود کسری از والدین کودکان کار به سرعت اشباع می‌شود.

۴●●● الف. پای هیچ نهاد تأمین‌ی و امنیتی و انتظامی به آن باز نشود (جز در موارد کودک آزاری و موارد مشاهده سوءاستفاده جنسی و اقتصادی سازمان‌یافته). ب. نظارت همه‌جانبه و موثر سازمان‌های مدنی مستقل در تمام مراحل از طراحی تا اجرا بر آن حاکم باشد.

پ. در هر اقدامی پیمان‌نامه حقوق کودک و چهار اصل اساسی آن (منافع‌عالیه، حق بقا و رشد، عدم تبعیض مشارکت کودکان) را اصل قرار دهد.

ت. به‌جای تمرکز بر پیماندا (کار کودک) بر علل (فقر) به‌صورت ساختاری تمرکز کند.

ث. چتر حمایت تأمین اجتماعی رابی قیدو شرط‌گسترش دهد.

ج. اقدامات قضائی حداقلی و همین حداقل هم مطابق با پیمان‌نامه حقوق کودک و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان باشد.

چ. خدمات تسکینی رایگان برای بهبود شرایط کودکان و خانواده‌ها رایه‌کند.

ح. مبتنی بر اصول حرفه‌ای مددکاری از جمله اصل محرمانگی باشد.

خ. واحد مداخله را صرفاً کودک کار و خانواده او تعریف نکنند، بلکه هم اجتماع محلی را به‌عنوان واحدی از مداخله حمایتی (نه امنیتی) تعریف کند و هم شامل اصلاحات نهادی و ساختاری برای فقرزدایی باشد.

قوانین باید اصلاح شود

میثم هاشمی‌خانی



۱●●● بحث حل کردن مسأله کاملاً به حاشیه رفته و موضوع روز تشکیل کارگروه و کمیته ساماندهی و تشکیل بروکراسی مختلف و توزیع بودجه میان آنهاست. من مقایسه کاملی انجام ندادم اما تفاوت قابل توجهی نمی‌بینم. تمام نوشته‌ها مشابه قبلی است. شباهت‌های این طرح با طرح‌های دیگر این است که متأسفانه ماجرا کلان دیده نمی‌شود. به‌طور مثال در بحث دستفروشی اگر واقع‌بینانه‌تر با آن برخورد کنیم، خیلی از